

Capacities of legal technology to guarantee public rights and improve the guarantee of its implementation

Mehdi Fallahian*

Received: 2018/05/10

Mohammad Ali Farahani**

Accepted: 2018/06/29

The legal system of each country, as an important and fundamental piece of the puzzle of the governing system of that country, has undergone serious developments and changes in its historical course in order to adapt to the new requirements and capacities and take full advantage of the new opportunities available. In this regard, legal technology is one of the most important developments that the world's legal systems have used to fulfill their missions, including guaranteeing public rights. This article tries to explain the usable opportunities of legal technology in order to guarantee public rights and upgrade its executive guarantee by using the library method and studies of international experiences in utilizing the capacities of legal technology. A study that shows that legal technology creates a platform for raising public awareness of their rights, collecting governance affairs and public participation in various fields such as supervision, legislation in addition to increasing the social capital of the government and public trust, extra-legal and far stronger sanction. Create a guarantee of public rights. However, despite the existence of more than four decades of legal technology, the Iranian legal system initially stands in its way and the proper and efficient use of this opportunity requires a correct and professional approach with full knowledge of its dimensions.

Keywords: Legal Technology, public rights, Extra-Legal sanction, Crowdsourcing, Decentralized control.

* PhD Student in Public Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Mahdi.falahian@gmail.com

** PhD Student in Public Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

makf@gmail.com

ظرفیت‌های فناوری حقوقی برای تضمین حقوق عامه و ارتقاء ضمانت اجرای آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۸

مهدی فلاحیان*

محمدعلی فراهانی**

چکیده

نظام حقوقی هر کشور به مثابه قطعه مهم و بنیادین پازل نظام حکمرانی آن کشور در سیر تاریخی خود تطورات و تغییرات جدی را تجربه کرده تا خود را با اقتضائات و ظرفیت‌های جدید همراه نموده و از فرصت‌های نوین در دسترس، بیشترین بهره را ببرد. در همین راستا، فناوری حقوقی یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که نظام‌های حقوقی دنیا با هدف تحقق مأموریت‌های خود از جمله تضمین حقوق عامه از آن بهره جسته‌اند. در این نوشتار تلاش شده با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعات تجربیات بین‌المللی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری حقوقی، فرصت‌های قابل‌استفاده فناوری حقوقی در راستای تضمین حقوق عامه و ارتقاء ضمانت اجرایی آن را تشریح نماید. مطالعه‌ای که نشان می‌دهد، فناوری حقوقی با ایجاد بستری برای ارتقاء آگاهی مردم از حقوق خود، جمع‌سپاری امور حاکمیتی و مشارکت مردم در حوزه‌های مختلف از جمله نظارت، تقنین علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی حاکمیت و اعتماد مردمی، ضمانت اجرایی فراحقوقی و به مراتب قوی‌تر در راستای تضمین حقوق عامه ایجاد نماید. گرچه نظام حقوقی ایران علی‌رغم عمر بیش از چهار دهه‌ای فناوری حقوقی، در ابتدا مسیر آن ایستاده و بهره‌گیری درست و کارآمد از این فرصت مستلزم مواجهه درست و حرفه‌ای همراه با شناخت کامل از ابعاد آن است.

واژگان کلیدی: فناوری حقوقی، حقوق عامه، ضمانت اجرای فراحقوقی، جمع‌سپاری، نظارت غیرمتمرکز.

* دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Mahdi.falaghan@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

makf@gmail.com

مقدمه

مهم‌ترین سند حقوقی کشور یعنی قانون اساسی که شالوده و بنیان نظام حقوقی کشور را تبیین می‌کند، تلاش نموده در مقام ساختارسازی تشکیلات حاکمیتی چارچوب‌بندی آن، ضوابطی را مقرر و انشاء نماید که در مقام قواعد آمره و لازم‌الرعایه کشور بر همه ارکان حکمرانی کشور تکلیف شده است. چراکه اساساً موضوع قانون اساسی، تنظیم و تضمین و تأمین حقوق و تکالیف متقابل اتباع کشور و حاکمیت است. یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های این سند بالادستی در نظام حقوقی ایران، موضوع تفصیلی و حائز اهمیت حقوق عامه است؛ موضوعی که اجزای مختلف پیکره پیوسته حاکمیت در مقابل آن مکلف بوده و باید بسترهای تأمین و تضمین تحقق این حقوق اساسی و بنیادین را فراهم نمایند. حقوقی که بیش از هفتاد مورد از مصادیق آن در قانون اساسی برشمرده شده است. از حقوق فردی و اجتماعی گرفته تا حقوق اعتقادی، اقتصادی، قضائی، امنیتی، دفاعی، اخلاقی، آموزشی، فرهنگی و... ذیل عنوان عام‌الشمول و گسترده حقوق عامه قرار می‌گیرد؛ البته قانون اساسی در مقام احصای مصادیق حقوق عامه نبوده و بلکه به صورت تمثیلی (ازجمله در فصل سوم) به ترسیم شاخص‌ترین مصادیق حقوق عامه پرداخته است.

این در حالی است که تضمین حقوق عامه با گذشت چهاردهه از عمر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران همچنان از دغدغه‌ها و چالش‌های حکمرانی ایران محسوب شده و در ساحات مختلف از جمله تقنین، اجرا، نظارت و... محل تأمل و اندیشه‌ورزی حکمرانان کشور محسوب می‌شود. اتفاقی که در نظام‌های حقوقی دیگر نیز به فراخور اقتضائات و تطورات تاریخی مطرح بوده و در چند ده سال اخیر تلاش شده با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جدید، راهکارهای نوین و کارآمدی برای آن تعبیه و تدبیر شود. در حال حاضر یکی از چالش‌های اصلی حکمرانی در تضمین حقوق عامه ظرفیت محدود دستگاه‌های حاکمیتی و مشکلات موجود در الگوی متمرکز حکمرانی است. از طرفی ضمانت اجراهای موجود قانونی نیز با چالش‌های مواجه هستند که نمی‌تواند در حوزه حقوق عامه به عنوان یک حوزه حقوقی بسیار گسترده نتیجه‌بخش و کارآمد واقع شوند.

به عبارت دیگر مصادیق مختلف چالش‌های جدید حوزه حکمرانی و به طور خاص

تأمین حقوق عامه در نظام‌های حقوقی مختلف دنیا را می‌توان در چند عامل اصلی ریشه‌یابی نمود که عبارتند از: عدم به‌روزرآوری و مندرس شدن ابزارهای اجرایی و نظارتی موجود، ضعف در سیستم‌های نظارتی، تمرکزگرایی و وجود سیستم‌های سنتی سلسله‌مراتبی بوروکراتیک که به تبع موجب فرسایش اعتماد بسیاری از شهروندان شده است. پدیده بسیار خطیری که دلیل اصلی سقوط چشم‌گیر مشروعیت دولت‌ها به حساب می‌آید. همین علل و عوامل، دولت‌ها را بر آن داشته که به‌منظور کاهش فساد و بهبود کیفیت حکمرانی، به طور خاص در امر تضمین حقوق عامه، با به‌روزرآوری ابزارها و بسترهای حکمرانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جدید فناورانه به سراغ الگوهای غیرمتمرکز رفته و با استفاده از مدل‌های جمع‌سپاری، ظرفیت بزرگ مردم را به‌کار بسته و به‌موجب آن امکان مشارکت، نظارت و بررسی تصمیمات آخذشده در نهادهای حکمرانی را برای شهروندان مهیا سازند.

اتفاقی که برای تحقق آن دولت‌ها با ایجاد چشم‌اندازی جدید در جهت به‌کارگیری فناوری‌های نوین به تدریج به دنبال اصلاح اصولی و اساسی ساختارهای سنتی و به‌کارگیری روش‌های نوآورانه و فناورانه در حکمرانی و به طور خاص در نظام حقوقی خود باشند.

پیدایش و توسعه ایده‌های جدید تحت عنوان «نوآفرینی حکومت» باعث ایجاد تغییر و تحولات بزرگی در الگوهای مدیریت نوین شده است. از یک‌طرف اصلاح و بازسازی مدل‌های بوروکراسی در سطوح بین‌الملل و حرکت به سوی آرمان‌های دموکراتیک و از طرف دیگر رشد آگاهی و بینش مردم نسبت به حقوق مدنی خود، موجب گردید نظام‌های بوروکراتیک بر سر دوراهی اضمحلال یا بازسازی مدل‌ها و ابزارها و به‌کارگیری روش‌های نوین قرار گیرند.

با نگاهی به کشورهای توسعه‌یافته خواهیم دید که شهروندمحوری و مشارکت‌جویی جزء اصول بنیادین بدنه دولت است. در این کشورها محوریت مقوله‌هایی نظیر نظام شهروند دموکراتیک، جامعه مدنی، حکمرانی مردم‌بنیان و تئوری گفتمان، ایده جدیدی را تحت عنوان «دولت به‌مثابه پلتفرم^۱» را شکل داده است. این مفهوم نو به‌جای تلاش برای کنترل یا راهبری و اداره جامعه؛ نقش اصلی نظام اداری و کارگزاران آن را ایجاد بسترهای قاعده‌مند و قابل تنظیم برای تأمین حقوق شهروندان و

برآورده ساختن انتظارات و منافع مشترک آنها می‌داند. این الگوی فکری و گفتمان جدید در حکمرانی وابسته‌های مهمی با خود به همراه دارد که از جمله مهم‌ترین آنها استفاده از روش‌های فناورانه در حکمرانی است و در نظام حقوقی به عنوان «فناوری حقوقی^۲» شناخته می‌شود.

«فناوری حقوقی» با ایجاد بسترهای جدید و کارآمد در حوزه حکمرانی مشارکتی، مردم را به عنوان ذی‌نفع اصلی موضوع حقوق عامه با حاکمیت همراه می‌کند و امکان سهم شدن و بهره گرفتن حاکمیت از ظرفیت بزرگ مردم را ایجاد می‌نماید و همچنین با سهم کردن مردم در حکمرانی و به رسمیت شناختن نقش آنها و اعطای ماهیتی اصیل به هر یک از شهروندان، به طور مستقیم در افزایش اعتماد عمومی و سرمایه انسانی حکومت تأثیر می‌گذارد.

در همین راستا در نوشتار پیش رو تلاش شده است ابتدا به این پرسش پرداخته شود که وضعیت موجود حقوق عامه، ابزارها و ضمانت اجراهای متناظر با آن در نظام حقوقی ایران چه وضعیت و کیفیتی دارند و سپس با مطالعه تجربیات بین‌المللی در حوزه فناوری حقوقی، ظرفیت‌ها و الگوهای قابل استفاده از فناوری حقوقی در تضمین حقوق عامه تشریح و تبیین شود و در ادامه آثار تبعی آن از جمله ایجاد ضمانت اجرایی فراحقوقی و کارآمد در موضوع حقوق عامه مورد بررسی و امکان‌سنجی قرار گیرد.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که نوشتار پیش رو اولین پژوهش فارسی در حوزه فناوری حقوقی بوده و تا پیش از این در دکترین و ادبیات حقوقی کشور هیچ سابقه‌ای ندارد. از همین رو تلاش شد ابتدا مفاهیم دخیل در پژوهش به طور کامل تشریح شود و سپس ظرفیت‌های فناوری حقوقی متناظر با چالش‌های حوزه حقوق عامه تشریح شود و ضمن آن مدل‌های اجراشده و نمونه‌های مهمی از تحقق این ظرفیت‌ها در نظام‌های حقوقی دیگر معرفی گردد. در نهایت نسخه قابل پیشنهاد برای نظام حقوقی ایران با توجه به اقتضانات و ظرایف موجود تبیین گردد.

۱. تعریف مفاهیم پژوهش

حقوق عامه، ضمانت اجرای فراحقوقی و اجتماعی، فناوری حقوقی سه مفهوم اصلی و بنیادین این پژوهش به شمار می‌روند که تعیین دقیق مفهوم هر یک از آنها و ارائه یک

تعریف مشخص امری ضروری به نظر می‌رسد. این اهمیت وقتی دوچندان می‌شود که هر مفهوم اول و دوم تعریف دقیق و مصرحی در نظام حقوقی ایران نداشته و مفهوم فناوری حقوقی نیز تا پیش از این در ادبیات حقوقی کشور به طور کلی بی‌سابقه بوده و اصطلاحی بدیع در ادبیات حقوقی محسوب می‌شود که در این نوشتار برای اولین بار بر اساس مطالعات بین‌المللی و استانداردهای حقوقی موجود مورد تعریف و تبیین قرار می‌گیرد.

۱-۱. حقوق عامه

اصطلاح «حقوق عامه» گرچه در نصوص قانونی نظام حقوقی ایران از جمله قانون اساسی جایگاه مشخصی داشته و در مطابق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی به عنوان یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه مطرح شده است اما تعریف دقیقی نداشته و مرز مفهومی آن با عبارات دیگری از جمله حقوق شهروندی، حقوق ملت، حقوق انسانی و... مشخص نیست و به تعبیری تعریف قانونی مصرحی از آن وجود نداشته و مقررات متناظر با آن نیز مبهم و از کارآمدی لازم برخوردار نیست (سلطانی، ۱۳۹۳، ص. ۷).

بنابراین برای تعریف دقیق این مفهوم لازم است دکترین فقهی و حقوقی کشور را مورد بررسی قرار داد که در این زمینه تعاریف متعددی ارائه شده است: به طور مثال در پیش‌نویس سیاست‌های کلی احیای حقوق عامه مجمع تشخیص مصلحت نظام، حقوق عامه را مجموعه حقوق دانسته که خداوند متعال برای همه انسان‌ها در جامعه در نظر گرفته و باید از طریق قواعد فقهی مانند قاعده ید، تسلیط، لاضرر، عدم ولایت، صحت و... توسط نهادهای دینی همانند حسبه تضمین شود.

همچنین برخی حقوق عامه را حق‌های عمومی مستقر در قانون اساسی معرفی نموده و یا آن را حق جامعه بر نظم عمومی و امنیت شهروندان دانسته‌اند. در تعریفی دیگر حقوق عامه شامل حقوق دانسته شده که به جهت عدم تعهد به صلاحیت دستگاه‌های حکومتی یا سوءاستفاده از صلاحیت‌ها برای منافع شخصی یا گروهی فوت می‌شوند (غمامی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰).

با توجه به تعاریف موجود باید گفت که حقوق عامه به طور کل حاصل جمع بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی یا برآیند حقوق فرد و جامعه است. حقوقی که تحقق و تضمین آن در قالب سه فرایند مشخص مورد انتظار است:

۱- **اجرا و اعطای حقوق عامه:** به این معنا که مجموعه نظام حکمرانی مکلف به ارائه و اعطای مصادیق حقوق عامه به آحاد جامعه‌اند؛ به این صورت که قوه قانون‌گذار باید سازوکار اعطای صحیح حقوق عامه را ترسیم و تنظیم کرده و به نیابت از موکلین خود، برای دستگاه‌های اجرایی ایجاد تکلیف نماید. دستگاه‌های اجرایی نیز باید به عنوان اهرم‌های کارآمد و مؤثر و منضبط، حقوق عامه را پاس دارند و در جهت مقصدی که قانون‌گذار تعیین کرده گام نهند.

۲- **احقاق و استیفای حقوق عامه:** در این فرایند حاکمیت مطابق با ساختار مطلوب خود تلاش می‌کند قدرت توزیع یافته در ساختار حکمرانی را که وامدار منشأ مشروعیت خود است، در یک فرایند خودپالا، کنترل و نظارت نماید و از این طریق قدرت فائده حاکمیت را مصروف تضمین حقوق و تأمین نیازهای مردم نماید. بنابراین در این فرایند در صورتی که هر یک از دستگاه‌های اجرایی اقدام لازم برای اعطای حقوق عامه را انجام ندهد یا از وظایف و تکالیف محوله سر باز زند، با استفاده از اهرم‌های نظارتی مناسب و توانمند به نیابت از جامعه، مبادرت به احقاق حق کرده و به استیفای حقوق عامه می‌پردازند. نکته حائز اهمیت در این فرایند وجود مراجع ذی‌صلاح برای رسیدگی به گزارش‌های فردی و سازمانی از مصادیق تضییع حقوق عامه است که به طور مثال می‌توان به دیوان عدالت اداری اشاره نمود.

۳- **احیا و اقامه حقوق عامه:** فراست و درایت قانون‌گذار اساسی، او را بر آن داشته تا از جمله مهم‌ترین رسالت‌های دستگاه قضائی را «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» مقرر دارد (بند ۲ اصل ۱۵۶). بر این مبنا، دستگاه قضا بازوی اجرایی اصلی فرایند سوم تحقق حقوق عامه محسوب شده و در قالب احیاگری و اقامه حقوق مردم اقدام می‌نماید؛ یعنی حتی پیش از آنکه فعل یا ترک فعلی صورت پذیرد که حاصل آن تضییع یا تعطیل حقوق عامه باشد، دستگاه قضا مبادرت به احیا و اقامه این حقوق می‌کند. در این نوع از احیاگری حقوق عامه باید در نظر داشت که عمدتاً مصادیقی از حقوق عامه مورد پیگیری و اقدام قرار می‌گیرند که شاکی خصوصی نداشته و اینجاست که مسئله فراتر از احقاق و استیفاست و بلکه قانون‌گذار بحث احیا و اقامه را وجه نظر قرار می‌دهد. یعنی بدون

اینکه شاکی یا شکات خصوصی در بین باشند، مقام و ارگان صلاحیت‌داری وجود داشته باشد تا بتواند به نیابت از جامعه، از حقوق آنها صیانت کند و بلکه به اقامه و احیای حقوق ایشان مبادرت نماید.

۲-۱. فناوری حقوقی

در مورد فناوری حقوقی^۳ تعاریف مختلفی ارائه شده که البته این تعریف به تدریج در طول زمان و همراه با تطورات و پیشرفت‌های فناوری تغییر نموده و هر بار تعریف کامل‌تر و البته پیچیده‌تری یافته است.

یکی از این تعاریف، فناوری حقوقی را شامل محصولات و ابزارهایی دانسته که با استفاده از فناوری اولاً، به تسهیل و توسعه ارائه خدمات حقوقی کمک نموده و ثانیاً، به شهروندان کمک می‌کند تا به تخصص حقوقی و سیستم قضائی موردنیاز خود دسترسی یابد (Ishaq Obashola Apalando, 2019, p. 2).

همچنین در تعریف دیگر فناوری حقوقی شامل راهکارهای فناورانه جهت تسهیل فرایندهای حقوقی معرفی شده تا جایی که بتوانند جایگزین اعمال قانونی واقعی شوند و در مسیر تحقق عدالت با بهره‌گیری از راه‌حل‌های فنی نظام حقوقی کشور را تجهیز نماید (Office Of Technology Assessment At The German Bundestag, 2019, p. 1).

به تعبیر دیگر فناوری حقوقی به طور کلی دیجیتال و هوشمندسازی فرایندهای حقوقی را توصیف می‌کند. به‌گونه‌ای که تمام خدمات حقوقی به منظور دستیابی به افزایش کارایی و کیفیت و در نتیجه صرفه‌جویی در هزینه‌ها، باید به طور فزاینده‌ای به طور هوشمند و مبتنی بر فناوری بازطراحی و اجرا شوند.

اما به طور خاص فناوری حقوقی را متناظر با حقوق عامه می‌توان این‌گونه تعریف نمود که فناوری حقوقی بستری است برای توانمندسازی و تقویت ظرفیت همه مردم برای استفاده از حقوق خود. به عبارت دیگر فناوری حقوقی در دنیا ابزاری است که عدالت را از سطح ملت و شهروندان به سمت سطوح بالاتر حکومت هدایت نموده و اصطلاحاً موجب تحقق عدالت مردمی می‌شود. ابزاری که در آن مردم اطمینان دارند قانون فقط محدود به کتاب‌های پیچیده حقوقی یا دادگاه‌ها نیست و می‌تواند برای عموم شهروندان در دسترس و قابل فهم باشد.

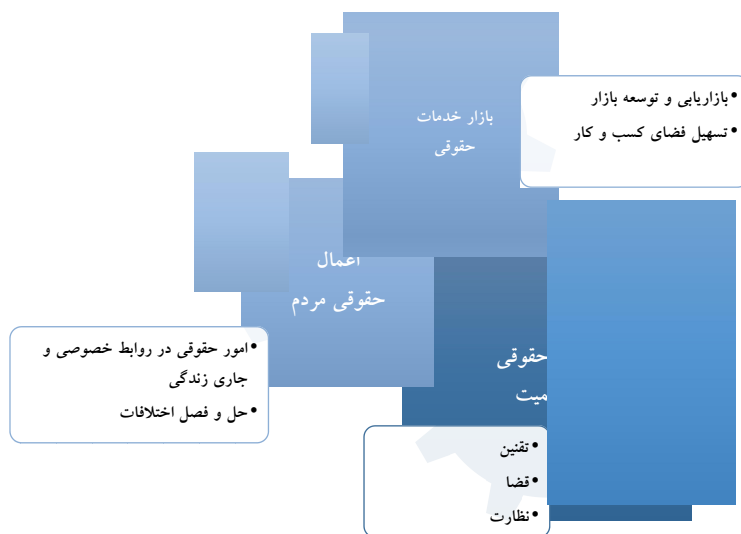
فناوری حقوقی استفاده از فناوری و نوآوری جهت تسهیل کلیه امور حقوقی است و با هدف کارآمدی و ارتقاء بهره‌وری در نظام‌های حقوقی دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. فناوری حقوقی در سه ساحت می‌تواند تحولات جدی در راستای کارآمدسازی حکمرانی در کشور به ارمغان آورد؛

۱- **بازار خدمات حقوقی:** بازار خدمات حقوقی از دیرباز یکی از بازارگاه‌های مهم و پرمخاطب نظام‌های حقوقی مختلف بوده و از طرفی با توجه به حساسیت‌ها و اقتضانات خاصی که همواره حاکم بر آن بوده، با برخی از وجوه انحصار و محدودیت‌هایی همراه بوده است. این موضوع موجب شده تا اولاً. خدمات حقوقی به چند نوع خاص مانند وکالت و... محدود شده، ثانیاً. دست بسیاری از فعالان و متخصصین حوزه حقوق از منافع آن کوتاه شود و همچنین خدمات ارائه شده در این بازار، به عنوان خدمات گران‌قیمت تلقی گردد. به گواهی آمار و اطلاعات موجود از کشورهای فعال حوزه فناوری حقوقی، رشد چشمگیر فناوری حقوقی در سال‌های اخیر موجب شده تا علاوه بر تسهیل دسترسی مراجعان از حیث سطح دسترسی و قیمت، حجم بازار خدمات حقوقی افزایش یافته و دایره خدمات حقوقی قابل ارائه نیز گسترش یابد. امری که گرچه در ابتدا با نگرانی و مقابله از سوی فعالان سنتی بازار خدمات حقوقی مواجه بوده اما پس از گسترش فناوری حقوقی موجب به‌کارگیری حجم بیشتری از فعالان و متخصصین حوزه حقوق شده است (Fountech Team, 2019, p. 9).

۲- **اعمال حقوقی شهروندان:** یکی از چالش‌های اصلی شهروندان در زندگی روزمره خود، پیچیدگی‌ها و مشکلات برخاسته از عدم آگاهی نسبت به حقوق خود و مقررات حاکم بر زندگی‌شان بوده است. امری که می‌توان آن را در عوامل مختلفی از جمله؛ غیرقابل فهم بودن و پیچیدگی متون قانونی، فقدان دسترسی مناسب به هنجارهای حقوقی، فقدان شفافیت لازم در نظام حقوقی حاکم، واهمه مردم از ورود به عرصه سخت حقوق و... ریشه‌یابی نمود. در حالی که فناوری حقوقی توانسته محصولاتی را در دسترس شهروندان قرار دهد که اولاً. نظام هنجاری حاکم بر زندگی شهروندان را ساده و شفاف نموده و دسترسی آنها را تسهیل نماید. تا آنجا

که هر شهروندی بتواند از یک مشاور حقوقی همراه برخوردار گردد. نکته جالب اینجاست که بسیاری از مشکلات و عوارض غیرقابل جبران موجود در زندگی برخی شهروندان ناشی از عدم آگاهی از اقتضائات و اطلاعات حقوقی لازم است (Corrales, Fenwick & Haapio 2019, p. 103).

۳- اعمال حقوقی حاکمیت: حرکت نظام‌های حقوقی از شیوه حکمرانی مردم‌سالاری مستقیم به مدل‌های غیرمستقیم که به سبب گسترش ذی‌نفعان و جمعیت شهروندان و همچنین وجود محدودیت‌های سخت‌افزاری جلب مشارکت بوده، موجب شده تا بدنه حاکمیت به تدریج فریبه‌تر شده و نظام‌های حقوقی مختلف برای تأمین مقاصد و مأموریت‌های خود در حوزه‌های مختلف از جمله تقنین، نظارت و قضا ساختارهای متمرکز داخلی خود را گسترش دهند. در حالی که فناوری حقوقی بسترهایی را ایجاد نموده تا امکان بهره‌گیری از مشارکت شهروندان در حوزه‌های مختلف به وجود بیاید. به بیان دیگر فناوری حقوقی به عنوان یک پدیده نوظهور مسیر جدیدی را پیش روی حاکمان قرار داده است که می‌تواند با استفاده از ظرفیت فناوری و بهره‌گیری از دایره همراهان گسترده به حل مسائل خود بپردازند. این رویکرد مکمل در حل مسئله علاوه بر ایجاد فرصت‌های بسیار و ارتقای راه‌حل‌ها به افزایش سطح رضایت اجتماعی و تبدیل آن به سرمایه اجتماعی کمک شایانی می‌کند. شناخت این مفهوم به حاکمان این قدرت را می‌دهد تا مردم را در حل مسائل همراه کنند و کشور را در مسیر رشد و توسعه و پیشرفت قرار دهند (Aulakh & Kirkpatrick, 1982, p. 278).



منبع: یافته های تحقیق

۳-۱. ضمانت اجرای فراحقوقی^۴ (اجتماعی)

اگرچه مفهوم «ضمانت اجرا» در دانش حقوق عبارتی متداول و شناخته شده محسوب می‌شود، اما ارائه تعریف کامل، مشخص و دقیق از آن چندان آسان نیست. گرچه باید توجه داشت که این اصطلاح از مفاهیم انحصاری دانش حقوق نیست و در برخی دانش‌های دیگر مانند رفتارشناسی یا جامعه‌شناسی نیز به کار می‌رود که البته مفهوم آن در این علوم یکسان نیست؛ به طور مثال ضمانت اجرا در دانش جامعه‌شناسی مفهومی مبتنی بر تنبیه و تشویق به شمار می‌آید. به تعبیر دیگر در این مفهوم مراد از ضمانت اجرا هر نیرویی است که موجب شود افراد تحت تأثیر مؤلفه‌های بیرونی یا درونی عملی را انجام دهند و یا از انجام آن خودداری نمایند. بر همین اساس تنبیهی یا تشویقی بودن ضمانت اجرا تفاوتی نمی‌کند (شیروی و وکیلی، ۱۳۹۲، ص. ۳).

این در حالی است که در دانش حقوق تبادر اولیه کاملاً مبتنی بر تحمیل تاوان ناشی از رفتار غیرمطلوب در نظام حقوقی شکل گرفته و از همین رو دکتر جعفری لنگرودی در تعریف ضمانت اجرا بیان نموده: «هر گاه یک قانون را یکی از افراد جامعه نقض کند قدرت عمومی برای حفظ نظم و حقوقی که ضمن نقض آن قانون تباه شده به کار می‌افتد و عکس‌العمل نشان می‌دهد این عکس‌العمل را ضمانت اجرا گویند» (جعفری

لنگرودی، ۱۳۸۱، ص. ۸۵). بنابراین ضمانت اجرا در دنیای حقوق اصولاً در موقعیت‌هایی مطرح می‌شود که رفتاری خلاف قاعده و ضابطه محقق شده و حتی در بسیاری از موارد مفهوم ضمانت اجرا منحصراً مرادف مجازات و کیفر تخلف تلقی شده است (درویشی و زینالی، ۱۳۹۳، ص. ۴). البته این معنای محدود از ضمانت اجرا مفید معنای مدنظر از آن نیست و نمی‌تواند کارکرد مناسب آن را به دنبال داشته باشد.

بنابراین در تعریف عمومی و کلی ضمانت اجرا که منطبق بر نظریه بازدارندگی در حقوق نیز می‌باشد، ضمانت اجرا هر گونه نیرویی است که افراد جامعه و به طور خاص مشمولین را از امتناع و سرپیچی در مقابل قواعد حقوقی بازدارد و هزینه تخلف از تعهد را برای وی افزایش دهد (Freeman, 2006, p. 55).

همچنین ضمانت اجرا به عنوان ابزاری معرفی شده که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین نموده و از طرف قوای عمومی در جامعه، علیه متخلفان به کار گرفته می‌شود (راسخ، ۱۳۸۸، ص. ۵۲).

در این میان برخی از اندیشمندان میان دو مفهوم «ضمانت اجرا» و «تضمین» تفاوت قائل شده‌اند و به اعتقاد آنان، ضمانت اجرا، واکنش حقوقی نسبت به نقض و عدم رعایت موارد حقوقی و قانونی است (Drapper, 1982, p. 323)؛ اما «تضمین»، به معنی ابزارها و جریان‌های شناخته‌شده اجرایی و حقوقی است که به منظور نظارت رعایت آن، حقوق طراحی شده و نقش پیشگیرانه درباره نقض موارد حقوقی دارند (بی‌پروا، ۱۳۹۷، ص. ۹۰). با این حال وجه ممیزه انواع ضمانت اجراهای مرسوم در عالم حقوق ابتدای آنها بر حکم قانون‌گذار دانسته شده و صلاحیت اجرای آنها نیز بر همین مبنا تعیین می‌شود؛ بنابراین ضمانت اجراهای حقوقی دارای بردی محدود بوده که چارچوب آن توسط قانون‌گذار تحدید شده است.

اما در دهه‌های اخیر با پدیدآمدن جلوه‌ها و ظرفیت‌های جدیدی در حکمرانی مدرن و ارتقاء معنای حاکمیت دموکراتیک یا حکمانی مردم بنیان، به تدریج چالش‌ها و محدودیت‌های ضمانت جراهای حقوقی نمایان شده و از طرفی نوع دیگری از ضمانت اجرا مبتنی بر الگوی نظرت غیرمتمرکز با مشارکت شهروندان شکل گرفته که از آن به ضمانت اجرای اجتماعی یا فراحقوقی تعبیر می‌شود.

منظور از ضمانت اجراهای فراحقوقی ضمانت‌هایی است که بدون وابستگی به

دولت و قوه قاهره ناشی از حاکمیت، مؤثر واقع می‌شوند و عامل و محرک اصلی آن بر مبنای قوه قاهره حاصل از قانون یا دولت نیست (شیروی و وکیلی، ۱۳۹۳، ص. ۶)، بلکه مبتنی بر قدرت حاصل از اجتماع شهروندان و حضور دائمی و تبانی‌ناپذیر آنها در نظارت غیرمتمرکز بر حاکمیت شکل گرفته و موجب بازدارندگی خواهد شد. بنابراین این نوع ضمانت اجراها از نوع پیشینی قلمداد شده و می‌تواند مکمل ضمانت‌های اجرایی حقوقی به‌شمار آید و مبتنی بر هم‌افزایی، قوت تأثیر آنها را افزون سازد.

ضمانت اجراهای فرا حقوقی مبتنی بر گزاره‌ها و الزامات حقوقی نیست؛ یعنی مبنای ایجاد الزام در این نوع از ضمانت اجرا به جای حکم قانون‌گذار حس التزام درونی است که مبتنی بر نوع نظارت غیرمتمرکز شهروندان و ذی‌نفعان اصلی حاکمیت یعنی شهروندان محقق شده و براساس مقتضیات و ضرورت‌های موجود در جامعه بدون پیش‌بینی قانون‌گذار و فراتر از اراده آن شکل می‌گیرد (فلاحیان، ۱۳۹۸، ص. ۶).

به تعبیر دیگر ضمانت اجرای فراحقوقی همان ضمانت اجرای مبتنی بر قدرت اجتماعی است که گرچه در حکم قانونی تصریح نشده اما قدرت اجتماع فرد را به رفتار درآورده و از این حیث که قدرت خود را مستقیم از جامعه و اجتماع می‌گیرد، قدرت الزام‌آور بدتری نسبت به قانون و ضمانت اجراهای حقوقی پیدا می‌کند. چراکه ضمانت اجرای حقوقی بمتنی بر حکم قانون‌گذار نیز در نهایت امری مبتنی بر قدرتی است که از جامعه به قانون‌گذار و نهاده شده است.

جلوه‌ای از این نوع ضمانت اجرا که مبتنی بر نظارت ناظران متعدد و تبانی‌ناپذیر و همیشگی است، در حقوق بین‌الملل نیز قابل مشاهده است که گرچه قواعد بین‌المللی از ضمانت اجرای حقوقی دقیقی برخوردار نیستند اما این ضمانت اجرای فراحقوقی به شکلی عمیق‌تر و جدی‌تر توانسته کشورها را به رفتار درآورده و نسبت به رعایت قواعد بین‌المللی ملتزم نماید.

بررسی نتیجه عملی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد تأثیر این نوع ضمانت اجرا فراتر از ضمانت‌های حقوقی و یا مجازات‌هایی است که از سوی قانون‌گذار تعیین شده‌اند. اهمیت و ارزش ضمانت اجراهای فرا حقوقی به حدی است که برای مخاطبان آن به عنوان یک هنجار و نرم اجتماعی درونی شده است و به همین علت مورد متابعت قرار می‌گیرد ولو اینکه عدم رعایت آنها از نظر حقوقی عواقبی در پی نداشته باشد

(شیروی و وکیلی، ۱۳۹۳، ص. ۷).

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تعدد مصادیق حقوق عامه و گستردگی ذی‌نفعان آنکه همه شهروندان جامعه محسوب می‌شوند، می‌توان از ضمانت اجرای فراحقوقی یا همان ضمانت اجرای اجتماعی در سطحی کارآمدتر و بهتر از ضمانت اجرای حقوقی بهره برد. به این صورت که با جمع‌سپاری امر نظارت به شهروندان یا به تعبیر دیگر ایجاد نظارت غیرمتمرکز و همگانی مردم بر تحقق مصادیق حقوق عامه توسط حاکمیت و دستگاه‌های وابسته، ضمانت اجرای حاکم بر حوزه حقوق عامه را تقویت نموده و در کنار وجود برخی مصادیق ضمانت اجرای حقوقی قابل تعقیب، از قدرت برتر ضمانت اجرای فراحقوقی و اجتماعی نیز بهره گرفت.

۲. ضرورت بهره‌گیری از فناوری حقوقی در تضمین حقوق عامه

نظام حکمرانی ایران پس از چهل سال حکمرانی با چالش‌های جدی از جمله وجود انبوه قوانین ضعیف، متعارض و ناکارآمد، و نیز نحیف بودن دریچه‌های مشارکت فکری و اجرایی مردم در امور گوناگون حاکمیتی مواجه شده که هر یک از آنها تبعات نامناسبی برای حاکمیت به دنبال داشته است (عبدالحسین‌زاده؛ ثنائی و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۶، ص. ۴).

اما چالش جدی که در سال‌های اخیر مورد توجه بوده و همواره توسط مقام معظم رهبری نیز مورد تأکید قرار گرفته فقدان بسترهای کارآمد و لازم جهت احیای حقوق عامه است. امری که به سبب اهمیت بالای آن در سند تحول قضائی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌ها و چالش‌های قوه قضائیه مطرح شده و راهبردهای گوناگونی برای حل آن تدبیر شده است. به‌کارگیری فناوری و ابزارهای فناوری‌محور بر حل چالش‌های موجود در حوزه حقوق عامه با تأکید بر جمع‌سپاری این حوزه از جمله تغییرات تحول‌آفرینی است که آن سند مهم ذکر نموده و نشان‌دهنده تحول در رویکرد و سبک حکمرانی حقوقی و قضائی کشور است. تحولی که فراتر از تغییر سطحی در رویه‌های انجام کاری و یا بهینه‌سازی آنهاست.

در طول دهه‌های گذشته، مفاهیم مختلفی تلاش کرده‌اند تحول در نحوه حکمرانی را تصویر کنند و در این بین مفاهیم متعددی از جمله مفهوم «دولت الکترونیک» دولت

مشارکتی» و یا جدیدترین و کامل‌ترین مفهوم از دولت تحت عنوان «حاکمیت باز» طرح و مورد نظریه‌پردازی قرار گرفته است (Zuiderwijk & Choenni, 2014, p. 189). مفاهیمی که وجوه مشترک مشخصی با هم داشته و یکی از مهمترین آنها، بهره‌گیری از فناوری در فرایندهای حکمرانی است. به این معنا که تلاش شده در مدل‌های جدید حکمرانی با استفاده از فناوری فرایندها و اعمال حاکمیت تسهیل شده و به شکل کارآمدی مورد بازطراحی قرار گیرد. امری که موجب پدیدار شدن ظرفیت‌های مهمی از جمله فناوری شهروندی، فناوری حقوقی، فناوری نظارتی و... در حکمرانی شده است و به صورت گسترده‌ای در نظام حقوقی کشورهای مختلفی به استقبال آنها رفته‌اند.

فناوری حقوقی تلاشی است برای دستیابی به یک رویکرد جامع و لازم در آن شفافیت و پاسخ‌گویی در سیستم‌های دولتی، تقویت ظرفیت جوامع مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء آگاهی مردم، بهینه شدن فرایندهای حقوقی و قانونی در مراکز دولتی و خصوصی مورد انتظار است. همچنین اثربخشی بیشتر آن منوط به ایجاد ضمانت اجرای فراحقوقی و اعطای جایگاه نظارتی به شهروندان با هدف کنترل بر عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی است (آقابابایی، ۱۳۹۸، ص. ۱).

فناوری حقوقی با حرکت به سوی تمرکززدایی و به‌کارگیری ابزارها و بسترهای مشارکت جمعی در حکمرانی به عنوان سازوکاری قابل اعتماد برای نظارت بر فعالیت‌های حاکمیت، می‌تواند اعمال مورد انتظار را در بستری با امنیت بالاتر و شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر تضمین نماید. فناوری حقوقی با استفاده از روش‌های نوآورانه در تأمین اعمال حقوقی که مسیر ساده‌تر و کوتاه‌تری تا غایت موردانتظار قانون‌گذار طی می‌نماید و استفاده از ظرفیت و قدرت جامعه شهروندی به حل مسئله می‌پردازد. این رویکرد در حل مسئله خود را وقتی بهتر و روشن‌تر نشان می‌دهد که با رویکرد سنتی حل مسئله مقایسه شود.^۶

با توجه به این تفصیلات که در بیان اهمیت کلی فناوری حقوقی و ضرورت فعال کردن ظرفیت‌های آن در نظام حقوقی کشور ذکر شد، به طور خاص باید دانست فناوری حقوقی در تضمین حقوق عامه چه نقشی داشته و لزوم بهره‌گرفتن از ظرفیت‌های آن از چه روست؟ پرسشی که در چند گزاره می‌توان به آن پاسخ داد.

- حقوق عامه دارای مصادیق متعددی است که نظارت بر تحقق همه مصادیق آن از توان و ظرفیت مدل متمرکز حاکمیت خارج است و لذا می‌بایست در حوزه اجرا، استیفا و نظارت بر تحقق آن از ظرفیت مردم و مجموعه‌های غیردولتی کمک گرفت. روشی که به عنوان جمع‌سپاری حکمرانی در حوزه حقوق عامه شناخته می‌شود.
- ذی‌نفع اصلی حقوق عامه خود مردم هستند و لذا بهترین ناظران برای پیگیری و رصد تحقق حقوق عامه بوده و لذا می‌توان از این طریق ضمانت اجرایی مؤثر برای تضمین حقوق عامه ایجاد نمود که از آن به عنوان ضمانت اجرای فراحقوقی یاد می‌شود.
- ارائه بسیاری از خدمات متناظر با تأمین مصادیق حقوق عامه که در قوانین کشور به رسمیت شناخته شده نیاز به ورود مستقیم حاکمیت نداشته، بلکه این قابلیت را دارد که حاکمیت با طراحی یک قالب و بستر نظارتی مشخص و استاندارد، ارائه این خدمات را در راستای تضمین حقوق عامه به مجموعه‌های غیردولتی برون‌سپاری نماید که فناوری حقوقی می‌تواند بهترین ابزار تحقق این موضوع باشد.
- یکی از چالش‌های اصلی حاکمیت در تضمین حقوق عامه، نظارت بر دستگاه‌های مجری است که می‌بایست امر نظارت در حاکمیت با بهره‌گیری از فناوری حقوقی به طور کلی و فناوری نظارتی به طور خاص، مورد بازطراحی، به‌روزروی و نوسازی قرار گیرد.

۳. نقش فناوری حقوقی و مدل‌های پیشنهادی آن در تضمین حقوق عامه

در این بخش تلاش می‌شود به عنوان بخش اصلی پژوهش بعد از تبیین اهمیت و ظرفیت فناوری حقوقی در تضمین حقوق عامه در بخش قبلی، نقش فناوری حقوقی و مدل‌های پیشنهادی آن در تضمین حقوق عامه در سه محور مشارالذکر از فرایندهای تحقق حقوق عامه تشریح شود. به عبارت دیگر فناوری حقوقی با چه مدل‌هایی اولاً، قادر به کنشگری در حوزه قانون‌گذاری و اجرای مصادیق حقوق عامه است (اجرا و اعطای حقوق عامه)؟ ثانیاً، فناوری حقوقی در چه قالب‌هایی بستر رسیدگی قضائی و پیگرد قانونی تحقق حقوق عامه را تسهیل و تسریع می‌نماید (احقاق و استیفا حقوق عامه)؟ ثالثاً، فناوری حقوقی با چه سازوکارهایی نظارت فعال و ضمانت اجرای

اجتماعی مورد انتظار در تضمین حقوق عامه را فراهم می‌نماید (احیا و اقامه حقوق عامه)؟ به همین منظور جدول ذیل مورد توجه است:

محور	مدل	عنوان نمونه	توضیحات
اجرا و اعطاء	مشاورت در تصمیم‌گیری ناظر به مصادیق حقوق عامه	مشاورت در فرایندهای حکمرانی محلی Consultvox ⁷ Decidim ⁸ Delib ⁹ Placespeak ¹⁰	با توجه به افزایش ظرفیت‌های فناوری اطلاعات، می‌توان برای تصمیم‌گیری در موضوعات مختلف، از ظرفیت نظرات مردم، نخبگان، ذی‌نفعان و... به سادگی استفاده کرد و کیفیت و اثربخشی تصمیم‌ها را ارتقاء داد. در همین راستا سامانه‌های متعددی در حوزه‌های مختلف حکمرانی محلی تلاش کرده‌اند در حوزه‌های حقوقی که مستقیم با مردم مرتبط است یا ذی‌نفع آن مردم هستند، بستر مشارکت آنان را از شناسایی مشکلات تا تصمیم‌گیری راجع به نحوه ارائه خدمات و تأمین حقوق مسلم شهروندان فراهم آورد.
	بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان در تدوین پیش‌نویس قانون	قانون‌سپاری (جمع‌سپاری هنجارگذاری) Crowdlaw ¹¹ Regulations.gov ¹² Dokeza ¹³ jamnevisi ¹⁴	استفاده از مشارکت مردم به عنوان ذی‌نفع و مخاطب اصلی قوانین و مقررات در ارتقاء نظام حقوقی و هنجارگذاری کشور از مرحله شناسایی چالش، تدوین و اصلاح پیش‌نویس تا مرحله ارزیابی قوانین و مقررات و ارائه اصلاحات پیشنهادی از جمله محورهای فناوری حقوقی است که عمر و سابقه بیشتری در میان دستاوردهای فناوری حقوق دارد. ابزاری که می‌تواند علاوه بر تمهید بستری برای تخصصی شدن تقنین، نظام‌های حقوقی را مجدداً به سمت دموکراسی مستقیم به عنوان عالی‌ترین نوع دموکراسی سوق خواهد داد.

محور	مدل	عنوان نمونه	توضیحات
	مشارکت در اعطای خدمات و اجرای برخی مصادیق حقوق عامه توسط گروه‌های غیردولتی	<p>بستری برای ایجاد حمایت‌های اجتماعی^{۱۵}</p> <p>Crowd Justice^{۱۶}</p> <p>Legalist^{۱۷}</p> <p>Advocacy assembly^{۱۸}</p>	<p>در این مدل سامانه‌ها تلاش می‌کنند تا پرونده‌ها و موضوعات حقوق عامه که از ابعاد بزرگتری نسبت به چالش‌های شخصی برخوردارند، مورد بررسی قرار داده و از طریق همراه کردن مشارکت افراد مختلف و شکست هزینه‌های گزاف یک موضوع به سهم‌های کوچکتر افراد را در کمپین‌های رسیدگی و پیگیری موضوعات حقوق عامه عضو و همراه نمایند. از جمله خدمات این سامانه‌ها تأمین اعتبار هزینه رسیدگی حقوقی پرونده‌های حقوق عامه است که از حوصله و توانایی مالی یک نفر محدود خارج است و نیاز به تعامل جمعی دارد.</p>
		<p>ثبت و مدیریت مالکیت معنوی</p> <p>Alt Legal^{۱۹}</p> <p>Bernstein^{۲۰}</p> <p>Certifydoc^{۲۱}</p> <p>LawPanel^{۲۲}</p>	<p>سیستم‌های ثبت از فناوری بلاکچین و اتوماسیون برای کمک به کسب‌وکارها و شهروندان در ثبت اختراعات، طرح‌ها، علائم تجاری و دیگر مطالب دارای حق معنوی که در چندین کشور استفاده شده است. سیستم‌های مدیریت نیز به متخصصان حقوقی در مدیریت سبد مالکیت فکری شهروندان کمک می‌کند.</p>
احقاق و استیفاء	رسیدگی قضائی الکترونیک	سامانه‌های الکترونیک محاکم قضایی	<p>یکی از مهمترین مصادیق تضمین حقوق عامه، وجود نظام دادرسی عادلانه با سطح دسترسی مناسب و آسان برای تمام شهروندان است. این در حالی است که در الگوهای سنتی تنها مراجعه شهروندان برای موضوعات شخصی به محاکم با چالش‌های جدی از جمله اطاله دادرسی، پیچیدگی فرایندهای قضائی و... مواجهه است که در</p>

محور	مدل	عنوان نمونه	توضیحات
			فناوری حقوقی با ایجاد دادگاه‌های بدون کاغذ و سامانه‌های الکترونیکی نه تنها دسترسی شهروندان به نظام قضائی ساده تر و سریعتر شده بلکه نظام قضائی نیز از ظرفیت‌های فناوری در مدیریت دانش و تحلیل آراء و پرونده‌ها بهره برده و عملکرد شفافی در مقابل شهروندان ارائه می‌نماید که متقابلاً اعتماد شهروندان نیز در پی خواهد داشت.
	دسترسی آسان و سریع به خدمات حقوقی مورد نیاز	بستر مناسب دسترسی به وکیل و مشاور حقوقی Law Scout ²³ Court Buddy ²⁴ Cptain Contract ²⁵	یکی دیگر از مهمترین نیازهای شهروندان و گروه‌های داوطلب برای پیگیری موضوعات حقوق عامه و حضور در محاکم قضائی که از پیچیدگی خاصی نیز برخوردار است، استفاده از خدمات حقوقی و وکالتی مناسب از حیث کیفیت و هزینه است. امری که در فناوری حقوقی با ایجاد بیزنس پلان‌های متعدد توانسته علاوه بر توسعه بازار خدمات حقوقی، دسترسی شهروندان به این خدمات را تسهیل و تسریع نماید.
احیاء و اقامه	ارتقاء آگاهی حقوقی شهروندان و ساده‌سازی ادبیات حقوقی	آموزش حقوق و دسترسی سریع مردم به داده‌های مورد نیاز حقوقی AltaClaro ²⁶ Canada Legal Help ²⁷ Hotshot ²⁸	در بسیاری از موارد تضييع حقوق عامه، شهروندان به علت فقدان آگاهی حقوقی لازم صورت پذیرفته و در ادامه نیز به همین علت تضييع حقوق عامه مطالبه نمی‌شود. لذا یکی از اولین ضروریات تضمین حقوق عامه، آشنایی و آگاهی شهروندان از حقوق خود و روش‌های پیگیری و مطالبه قضائی آن است. امری که به واسطه ایجاد ظرفیت‌های فناورانه جدید برای آموزش شهروندان، تأمین می‌شود.

محور	مدل	عنوان نمونه	توضیحات
	ایجاد بستر ارتباط منسجم و تعاملی شهروندان و حاکمیت	بستر تعامل دوطرفه با نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی در سطوح مختلف They Work For You ²⁹ Write To Them ³⁰ Fix My Street ³¹	تضمین و تحقق حقوق عامه به عنوان حقوق مسلم شهروندان امری طرفینی است. به این معنا که یک طرف آن حاکمیت و تکالیف آن نسبت به شهروندان قرار دارد که در این مسیر بسترهای فناورانه امکان ارائه گزارش خدمات را فراهم نموده و طرف دیگر شهروندانی هستند که از این خدمات بهره برده و از طریق بسترهای فناورانه امکان ارزیابی این خدمات و ارائه نظرات و ایده‌های خود را خواهند داشت. این تعامل دوسویه می‌تواند نویدبخش تضمین حقوق عامه در نظام حکمرانی کشور باشد.
	طراحی بسترهای حرفه‌ای نظارت همگانی و تحقق ضمانت اجرای فراقحقوقی (اجتماعی)	انتشار و دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات عملکردی حاکمیت و امکان نظارت بر آن The Gazette ³² National Archives ³³	دسترسی شهروندان به اطلاعات حاکمیتی و عمومی یکی از حقوق مسلم آنان بوده که در اسناد بین‌المللی نیز با عنوان حق بر آگاهی به رسمیت شناخته شده است. از طرفی این حق، مبنای مهمی برای شکل‌گیری بسترهای حرفه‌ای نظارت همگانی و ضمانت اجرای فراقحقوقی است. چراکه تا شهروندان از عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی در حوزه حقوق عامه به درستی مطلع نباشند بالتبع نمی‌توانند نسبت به آن نظارت داشته باشند. چراکه یکی از مؤثرترین راهکارها برای مطالبه حقوق عامه، شفافیت در راستای آماده‌سازی بستر برای مشارکت مردم از طریق ایجاد موازنه اطلاعاتی در مطالبه حقوق شهروندان است (رستمی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص. ۲). لذا ایجاد پنجره‌های رسمی ارائه اطلاعات حاکمیتی مبتنی بر فناوری و در قالب

محور	مدل	عنوان نمونه	توضیحات
			سامانه‌های داده یکی از ابزارهای مهم فناوری حقوقی در راستای تضمین حقوق عامه به‌شمار می‌آید.
		بسترهای سوت‌زنی و گزارشگری تخلف ^{۳۴}	آخرین ابزاری که فناوری حقوقی توانسته در توسعه و ترویج آن نقش مؤثری ایفا نماید و رابطه مستقیمی با تضمین حقوق عامه دارد، توسعه بسترهای برخط گزارشگری تخلف است که شهروندان از این طریق با سهولت و سرعت مناسب می‌توانند مصادیق تضییع حقوق عامه را به دستگاه‌های ذیربط اعلام نموده و در فرایند کاملاً شفاف آن را تا حصول نتیجه پیگیری نمایند.

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

فناوری حقوقی به عنوان یک پدیده نوظهور مسیر جدیدی را پیش روی حاکمان قرار داده است که می‌توانند با استفاده از ظرفیت مردم به حل مسائل خود از جمله تضمین حقوق عامه بپردازند. این رویکرد مکمل در حل مسئله علاوه بر ایجاد فرصت‌های بسیار و ارتقای راه‌حل‌ها به افزایش سطح رضایت اجتماعی و تبدیل آن به سرمایه اجتماعی کمک شایانی می‌کند. شناخت این مفهوم به حاکمان این قدرت را می‌دهد تا مردم را در حل مسائل همراه نموده و به طور خاص با مشارکت و کمک شهروندان به عنوان ذی‌نفع اصلی حقوق عامه، از ابزارهای جدید و مختلفی در راستای تضمین حقوق عامه بهره ببرند.

این پدیده نوظهور به طور مشخص در هر سه فرایند تضمین حقوق عامه یعنی «اجرا و اعطاء»، «احقاق و استیفاء» و «احیا و اقامه» می‌تواند ابزارهای کارآمد و متعددی در اختیار دستگاه‌های حاکمیتی و شهروندان قرار دهد. تا جایی که در برخی از موارد با توجه به محدودیت دستگاه‌های حاکمیتی نسبت به مصادیق متعدد حقوق عامه، تحقق آنها بدون بهره گرفتن از ظرفیت‌های جدید فناوری حقوقی در حال حاضر غیرممکن به نظر می‌رسد.

همچنین تقویت و توسعه ضمانت اجرای فراحقوقی و اجتماعی از دستاوردهای دیگری است که فناوری حقوقی می‌تواند آن را فراهم نماید و این در حالی است که بهترین ضمانت اجرای مورد انتظار در موضوعات حقوق عامه همین نوع از ضمانت اجراست.

یادداشت‌ها

1. G.A.P
2. Legal Tech
۳. فناوری حقوق که معادل legal Tech و Legal technology شناخته شده است.
4. Sanctions Legal-Non
5. Sanction
۶. برای مقایسه دقیق دو رویکرد سنتی و جدید فناوری محور حل مسئله در حکمرانی رجوع کنید به: ثنایی، ۱۳۹۴: <https://tp4.ir/85/>
7. www.consultvox.co
8. <https://decidim.org>
9. <https://delib.net>
10. <https://placespeak.com>
11. <https://catalog.crowed.law>
12. <https://regulations.gov>
13. <https://dokeza.mzalendo.com>
14. <https://jamnevisi.ir>
15. Advocacy
16. <http://crowdjustice.org>
17. <http://legalist.com>
18. <https://advocacyassembly.org/>
19. <https://altlegal.com>
20. <https://bernstein.io/>
21. <https://www.certifydoc.eu>
22. <https://lawpanel.com>
23. <https://www.lawscout.ca/>
24. <http://www.courtbuddy.com>
25. <https://www.lawscout.ca/>
26. <https://www.altaclaro.com>
27. <https://www.canadalegalhelp.com>
28. <https://www.hotshotlegal.com>
29. <https://www.theyworkforyou.com>
30. <https://www.writetothem.com>
31. <https://www.fixmystreet.com>
32. www.thegazette.co.uk
33. www.archives.gov
34. whistlebloweing

کتابنامه

۱. آقابابایی، سائینا (۱۳۹۸). «تمرکززدایی راهی برای بهبود مشروعیت دولت‌ها». ماهنامه عصر تراکنش، (۳۱ و ۳۲).
۲. بی پروا، امیر (۱۳۹۷)، رسانه، حقوق بشر و شهروندی در عصر جهانی شدن. تهران: نشر میزان.
۳. ثنائی، مهدی (۱۳۹۴). اندیشکده «شفافیت برای ایران» | تجربه ایالات متحده: ورود نوآوری باز به عرصه حکومتمداری، سایت دولتی چالش | (Challenge.gov) اندیشکده «شفافیت برای ایران» Retrieved ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۹، از: <https://tp4.ir/85/>
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. درویشی، بابک و زینالی، امیرعلی (۱۳۹۳). «ماهیت ضمانت اجرای اداری در نظام حقوقی ایران». تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، (۲۵)، صص. ۳۶-۷۴.
۶. راسخ، محمد (۱۳۸۸). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی. تهران: انتشارات دراک.
۷. رستمی، ولی و قاسمی، محمدرضا (۱۳۹۷). «سازوکارهای حقوقی فعال‌سازی ظرفیت گزارش‌دهندگان مردمی فساد با مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا». مطالعات حقوق تطبیقی، (۲)، صص. ۶۳۹-۶۵۹.
۸. سلطانی، سید ناصر (۱۳۹۳). جرایم علیه حقوق اساسی ملت. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل.
۹. شیروی، عبدالحسین و وکیلی، محمدحسین (۱۳۹۳). «ضمانت اجرای فرا حقوقی و جایگاه آن در حقوق نرم». دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، (۵)، صص. ۱-۲۷.
۱۰. عبدالحسین‌زاده، محمد؛ ثنائی، مهدی و ذوالفقارزاده، محمد (۱۳۹۶). «مفهوم‌شناسی سیاست‌گذاری داده باز حاکمیتی و تبیین مزایا و فواید آن در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۲۲)۷، صص. ۵۵-۷۵.
۱۱. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۷). «الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی». حقوق اسلامی، (۵۸)، صص. ۹۲-۷۱.
۱۲. فلاحیان، مهدی (۱۳۹۸). «مطالعه ضمانت اجرای مطلوب در قوانین مقابله با فساد»، اندیشکده شفافیت برای ایران.

13. Aulakh, Sundeep & Kirkpatrick, Ian (1982). "Changing regulation and the future of the professional partnership: the case of the Legal Services Act, 2007 in England and Wales". International Journal Of The Legal Profession, Vol. 23, No. 3, pp. 277-303.

14. Corrales, Marcelo; Fenwick, Mark & Haapio Helena (2019). "Legal Tech, Smart Contracts and Blockchain". *Springer*, pp. 1-285.
15. Drapper. JIAD (1982). "warf law of enforcement". *Encyclopedia of Public Internation Law*, p. 323.
16. Fountech Team (2019). "Artificial Intelligence in the Legal Domain". *Fountech, Institute*, pp. 1-18.
17. Freeman, James (2006). "The Self-Reported Impact of Legal and Non-Legal Sanctions on a Group of Recidivist Drink Drivers". *Transportation Research Part F Traffic Psychology and Behavior*. Vol. 9(1), pp. 53-64.
18. Ishaq Obashola Apalando, Esq. (2019). "Legal Tech in Nigeria: Applications and Implications". *Independent Report*, pp. 1-53.
19. Office Of Technology Assessment At The German Bundestag (2019). "Legal Tech". *TAB-Fokus No. 24* regarding report no. 185, pp. 1-4.
20. Zuiderwijk, A.; Janssen, M.; Choenni, S. & Meijer, R. (2014). "Design principles for improving the process of publishing open data". *Transforming Government: People, Process and Policy*, 8(2), pp. 185-204.

